

Sindel به میگل Miguel، آندراس به آندرس، پامونل به مانول. اولین سند گواه بر ورود کولی‌ها به اسپانیا متعلق به سال ۱۴۴۷ میلادی است.

کولی‌ها خود را «روما کالک» Ruma Calk می‌نامیدند (به معنای مردم دشت و صحرا یا آواره صحراها)، و به زبان کالو Caló که لهجه‌یی از زبان هندی است صحبت می‌کردند. آنان تا پایان قرن پانزدهم تقریباً همواره خانه‌به‌دوش بودند و به کارهایی همچون چوپانی و آهنگری اشتغال داشتند.

زندگی خانه‌به‌دوشی، فرهنگ آنان را سرشار از عادات و رسوم ساخت که از فرهنگ‌های اقوام مختلف به عاریت گرفته شده بود. این فرم‌های عاریتی، موسیقی را نیز شامل بود. اما کولی‌ها موسیقی‌های مختلف را بنا به خُو، خصلت و شیوه نگرش خود به جهان تفسیر و اجرا می‌کردند. بدین ترتیب موسیقی بخشی بسیار

فلامنکو، یکی از موسیقی‌های ویژه و شناخته‌شده اروپایی است. ریشه‌های فلامنکو از خاستگاه‌های گوناگونی نشأت گرفته‌اند به نحوی که ما می‌توانیم در این موسیقی سهمی از موسیقی‌های هندی، عربی، یهودی، یونانی، کاسته‌یان (اسپانیایی) و غیره را بباییم. هم بدین‌گونه است که پی‌ریزی و شکل‌گیری فلامنکو از به هم پیوستن فرهنگ‌های گوناگون، داستانی بلند جذاب و سرشار از خوانندگی‌ها، تفاسیری اشتباه و سؤالاتی بی‌جواب است.

کولیان Los Gitanos جنوب اسپانیا از زمان رسیدن خود به این ناحیه در قرن پانزدهم روزبه‌روز به خلق و بسط این موسیقی پرداختند. ساختار درونی و بیرونی موسیقی فلامنکو نشانگر این واقعیت است که آنها از منطقه‌یی به نام سید Sid در شمال شبه‌قاره هند که در حال حاضر جزء خاک پاکستان است به جنوب



برجسته و سهمی از جشن‌ها و مراسم سنتی و نیز زندگی روزانه آن‌ها را تشکیل می‌داد. تمامی آنچه که کولیان برای ساخت و اجرای موسیقی می‌خواستند نوا و ریتمی بود که بتوانند با کمک دست و پاهایشان آن را اجرا کنند. درست به همین خاطر فرم‌های به‌خصوص موسیقی فلامنکو احتیاج به آلات موسیقی بسیار ندارند. موسیقی کولی‌ها همواره با فی‌البداهگی، آرایه و مهارت در حرکات فیزیکی بدن همراه است. آن‌ها در «آندالوسیا» به سرزمینی بکر و وسیع و مناسب برای بسط و گسترش موسیقی خود روبه‌رو شدند. سرزمینی که از اعتبار و آبروی قابل ملاحظه فرهنگی، هنری و علمی برآمده از قریب هشتصد سال اختلاط فرهنگ‌های عربی، یهودی و مسیحی بهره داشت.

به نظر می‌آید کلمه فلامنکو از ترکیب دو کلمه عربی Mengu و Felag (به معنای روستایی و برزگر

اسپانیا مهاجرت کردند. کولیان مجبور بودند که سرزمین‌های خود را به واسطه درگیری‌ها و تهاجماتی که به آن‌ها می‌شد، ترک کنند (بعدها با فروپاشی سلسله تیموریان Temerian که نوادگان «چنگیزخان» معروف بودند، کولیان از تبعید و اسارت رهایی یافتند). قبایل سید به سرزمین مصر مهاجرت کردند و تا زمانی که از آن‌جا رانده شدند، در صلح و آرامش در این منطقه زندگی می‌کردند.

مقصد بعدی آن‌ها «چکسلواکی» بود، اما چون می‌دانستند به دلیل جمعیت زیادشان نمی‌توانند همه به یک منطقه پناه آورند، به سه گروه تقسیم شدند و سه هسته و مرکز عمده کولی‌ها را در غرب تشکیل دادند: «روسیه، مجارستان، لهستان»، «کشورهای حوزه بالکان و ایتالیا» و دست آخر «فرانسه و اسپانیا».

کم‌کم اسامی خود را تغییر شکل دادند: سیندل

فلامنکو زمزمه عدالتخواهی کولی‌ها

Flamenco

ترجمه رامین مولایی

خانمبه‌دوش) ساخته شده است. بنا به گفته عده‌یی از نویسندگان کلمه «فلامنکو» بعد از قرن هیجدهم به عنوان «کولی آندالوسی» مورد استفاده قرار گرفت.

کمی بعد از رسیدن اولین دستجات کولی‌ها به اسپانیا، «کریستف کلمب» غرب را با هدف کشف راهی به سوی هندوستان ترک کرد و کاملاً اتفاقی موفق به کشف قاره ناشناخته‌یی گردید (قاره آمریکا که کلمب به اشتباه می‌پنداشت که باید همان هندوستان باشد). اینان در دوره و زمان بسیار بدی به اسپانیا وارد شدند چرا که از سویی «پادشاهان کاتولیک» با استبداد و خودکامگی بر ملت خویش حکومت می‌کردند و به مشکلات روزمره و معاش مردم بی‌توجه بودند و از سویی دیگر با سقوط گرانادا Granada در سال ۱۴۹۲، یک رشته از خون‌ریزی، قتل‌عام و راندن از کاشانه (من جمله یهودیان و مسلمانان) و آزارهای مذهبی نسبت به



غیرکاتولیک‌ها آغاز گردید و تا دو قرن بعد ادامه داشت.

کولی‌ها آداب و رسوم مخصوص خود را در زندگی کوچ‌نشینیی داشتند و به زبان «کالو» صحبت می‌کردند و با ورودشان به اسپانیا تعدادی از واژگان آنان به زبان اسپانیایی منتقل گردید و هم‌اکنون نیز در تمامی نقاط اسپانیا متداول و رایج هستند (خصوصاً در نواحی جنوبی اسپانیا). پادشاهان کاتولیک از صحبت کردن آن‌ها به زبان خود ممانعت به عمل می‌آوردند و آن‌ها را به کارهای پست و خوار می‌گماشتند و به سکونت در مناطق محروم و کثیف مجبور می‌کردند.

در طی قرن شانزدهم بسیاری از ایشان در معادن به کار گرفته شدند و همان‌جا نیز مُردند. آن‌ها در درون حفره‌هایی که در دل کوهستان کنده شده بود، زندگی می‌کردند، حفره‌هایی که صدها مسلمان، یهودی و

کولی‌ان مُرتد از سوی کلیساها به آن‌ها پناه می‌آوردند و بنا به فشارهای تحمیلی از سوی کارگزاران حکومت و کلیسا، بخش اعظم از جشن‌ها و مراسم ویژه کولی‌ان در خفا اجرا می‌شدند، همین‌طور هنگامی که از کولی‌ان برای اجرای موسیقی سنتی خودشان در محفل ثروتمندان اسپانیا دعوت به عمل می‌آمد، در بسیاری از این محافل آن‌ها ترانه‌هایی با مضامین آزادیخواهی و شرح بی‌عدالتی‌های مأموران حکومتی نسبت به خود، می‌خواندند اما شنوندگان معنی هیچ یک از کلمات ایشان را در نمی‌یافتند.

با گذشت زمان، قوانین بازدارنده ایشان از فعالیت‌های اجتماعی کمتر شدند و مردم بیشتر به فرهنگ آنان، به خصوص موسیقی ایشان روی آوردند. تعدادی از آهنگسازان کلاسیک آن دوره از ملودی‌های فلامنکو در آثارشان بهره بردند، علی‌الخصوص در قطعاتی که برای گیتار ساخته می‌شد.

اولین نسخه گرت‌برداری شده از یک قطعه موسیقی در نمایشی فلامنکو در آپرای «نقاب خوشبختی» اثر آهنگساز ایتالیایی قرن هیجدهم «نری» Neri به چشم می‌خورد. می‌توانیم بگوییم موسیقی فلامنکو در پایان قرن نوزدهم شیوه‌های کم و بیش مشابه آن‌چه که امروز شنیده می‌شوند را پایه نهاد. اما در عین حال باید این نکته را تذکر داد که موسیقی فلامنکو هیچ‌گاه از بسط و رشد باز نایستاده و همواره پویا و زنده به حرکت رو به رشد خود ادامه می‌هد.

موسیقی فلامنکو با بهره‌گیری از آواز و صدای به هم خوردن دست‌ها آغاز شد و بسیار بعد «گیتار» به آن پیوست و تنها در قرن حاضر بود که صدای پاشنه‌کفش رقصندگان نیز به آن ضمیمه شد. در واقع آلات اصلی و بنیادین فلامنکو این سه عنصر هستند: آواز، گیتار، رقص. تقریباً تمامی ضرب‌آهنگ‌ها و استیل‌های فلامنکو می‌توانند با یا بدون رقص بیان شوند، همچنین رقص‌هایی بدون آواز یا آوازهایی تنها، بدون رقص و آهنگ.

امروزه فلامنکو چهره‌های بسیار دارد. در فلامنکوی مدرن استفاده از آلات موسیقی الکترونیک، همچون گیتارهای الکترونیک عمومیت یافته‌اند (از گیتار برقی اولین بار Carlos Benavent در موسیقی فلامنکو استفاده کرد). همچنین از «کاخون» Cajon که سازی متعلق به کشور پرو است و با تغییرات اندکی اولین بار «پاکو د لوسیا» Paco de Lucia و گروهش آن را مورد استفاده قرار دادند (کاخون سازی کوبه‌یی

متشکل از جمعه‌یی چوبی و توخالی است که نوازنده بر روی آن نشسته با دست به دیواره میان پاهایش ضربه وارد می‌کند). این آلت موسیقی به خوبی با فلامنکو عجین گشته و جا افتاده است. این ساز دارای کوکی خاص و صدایی بم و ناهمگون با سایر ادوات موسیقی است. فلامنکوی نوه مختص گروه‌هایی از جوانان است که کمتر دغدغه حفظ پاکی، خلوص و حفظ سنت‌های فلامنکو را دارند و بسیار مایل به ترکیب فلامنکو با موسیقی‌های دیگرند. به همین جهت از سازهایی همچون «ساکسیفون»، «ویلن سل»، «فلوت»، «ویلن»، «سیتار» و سازهای کوبه‌یی همچون «بونگو» و «کونگا» متداول در موسیقی آمریکای جنوبی و نیز «داربوکا» darbuka و «دخمه» djembe سرخپوستان بهره می‌گیرند و استفاده از انواع جازها، سینتی‌سایزرها و گیتارهای الکترونیک در این نوع از فلامنکو کمتر متداول است.

در اغلب موسیقی‌های غربی، ریتم نقش اصلی را داراست و این ریتم در تأکیدهای چهار ضربایی نمایانگر می‌شود و این فشار و تأکید همزمان و منطبق بر ضربه‌هاست.

در فلامنکو نیز «ریتم» نقشی اساسی دارد اما به شیوه خاص خود، یعنی شمارش‌ها می‌توانند تا ۱۲ مرتبه تکرار بشوند و همین فشار و ضرب‌های بی‌پایان توانایی تشکیل عبارتی ریتمیک و اجرای قطعاتی حیرت‌آور را می‌یابند. و با این ساختار ریتمیک دو نوازنده گیتار پیایی و به نوبت می‌توانند ریتمی را به یکدیگر پیشنهاد نمایند، همانند یک دیالوگ و یا پرسش و پاسخ در خلال یک رشته از ضرب‌آهنگ‌های متغیر.

در یک قطعه موسیقی فلامنکو، قسمت‌هایی می‌توانند فی‌البداهه به اجرا در آیند، در بسیاری مواقع آوازخوان برحسب ذوق خود قطعه‌یی آوازی اجرا می‌کند که فضایی مناسب را برای سایر عوامل اجراکننده موسیقی فلامنکو با سکوت‌هایی که در خلال آواز به‌وجود می‌آید، فراهم می‌آورد.

در موسیقی غربی گرایش معمول برای ختم یک تم، با یک ملودی همراه است در فلامنکو نیز همین‌طور، معذالک در این موسیقی ملودی‌ها می‌توانند در یک روند ریتمیک سریع نواخته شوند، مثلاً یک «کانتته پُرسوله» Cante por Solea می‌تواند با ریتم ۳/۴ نواخته شود، در فرازهایی کاملاً مجزا و به انواع مختلف و بعد باز به زیرمجموعه‌هایی از عبارت‌های تازه تقسیم شود. همین پیچیدگی و تنوع ریتمیک مانع تکرار بی‌مورد ملودی‌ها می‌گردد و به شکل‌گیری حال‌وهوای خاص و فینال‌های محکم و با ثبات ویژه موسیقی فلامنکو یاری می‌رساند.